****

**[www.iran57.com](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)**

**عوامل اسرائیل را بشناسید**



محمد برقعی

دیریست بر همگان یقین شده که اسرائیل در درون ایران نفوذ کرده . ماموران آن یا مستقیما عمل می کنند مثل ترور دانشمندان اتمی ، یا از نادانی افراد متعصب بهره گرفته و اهداف خود را به دست آنان انجام می دهد. از جمله برسر بزنگاه ها ضربه سنگین به حکومت ایران می زنند، مثل به زبان عبری بر موشکی نوشتن ، یا درست در زمانی که اروپائیان می خواهند مستقل از آمریکا با ایران وارد معامله شوند وتحریم کمر شکن آمریکا را تا حدی دور بزنند، یکباره تنی چند در کشوری از جمله دانمارک می کوشند افرادی از مخالفین حکومت را ترور کنند. این نفوذ بدان حد است که معلوم می شود مقاماتی از بیت رهبری، سپاه، وزارت اطلاعات ، ماموران اسرائیل بوده اند.

 اما مشکل آنجا ست که در بسیاری از موارد معلوم نمی شود اینان عوامل نفوذی اسرائیل و سیا هستند ، یا ابلهان فریب خورده . مثل حمله به سفارت عربستان در لحظات بسیار حساسی که ایران به دنبال ترمیم روابط خود با همسایگان بود یا می کوشید دیگرامضا کنندگان برجام را دراین قراردادنگه دارد .بهمین سبب الان فرصت مناسبی است که شاید به زودی یکی از اینان وارد عمل شود وملت ایران آنان رادر هرمقامی هستند شناسایی کنند ، چون در تحلیل نهایی مامور و فریب خورده هردو خائنان به وطن هستند. اما این موقعیت :

 مجلس جدید نمایندگان آمریکا

در انتخابات اخیرمجلس آمریکا سه منتقد شجاع اسرائیل به مجلس راه یافتند. این پیروزی تنها پیروزی سه نماینده مترقی نیست ، بلکه نشان تحولی بنیادی در برخورد با اسرائیل است. بعبارتی این سر کوه یخ است، وبدنه اصلی آن در زیر آب است ، در دوسال گذشته ترامپ برای مقاصد سیاسیش همه قواعد سیاست کشور را بر هم ریخته است. از جمله در این رابطه برای ارضای اوانجلیکن ها،که بدنه اصلی طرفداران او را تشکیل می دهند ، پایتخت اسرائیل رااز تل آویو به اورشلیم تغییر داد. امری خطرناک که کلیه کشورهای اروپایی ، و کشورهای قدرتمند جهان با آن مخالف هستند. ولذا با همه فشاری که آورد جز چند کشور کوچک بی اعتبار هیچ کشور دیگری با او همراهی نکرد.

 اعمال دیگرش نیز خشم اکثریت جامعه را برانگیخته است. حتی برای حزب جمهوری خواه درد سری شده است. از سویی از او حمایت می کنند، چون بسیاری از خواسته های آنان را اجرا می کند. خواسته هایی که خود روسای جمهور وسران حزب از نظر سیاسی آن را به ضرر حزب می دانند. از سوی دیگر میدانند منافع کوتاه مدت این دست آوردها ،در طولانی مدت ضرب های بسیاری به حزب خواهد زد. ازجمله همین تغییر پایتخت اسرائیل سکوت در مقابل هر جنایت اسرائیل. از جمله درجریان کشتار وقیحانه و بی دلیل اسرائیل در14می 2018 ، حد اقل مثل دیگر رئیس جمهوران آمریکا ،ترامپ برای فریب افکار عمومی در ظاهر همآن را تقبیح نکرد. تظاهرات مسالمت آمیزی که از آخر ماه مارس آن سال شروع شد وتا اکتبر هر جمعه تکرار شد و در 14 می اسرائیل این تظاهرات مسالمت آمیز و مدنی را به خاک و خون کشید ، و 60 نفر از تظاهر کنندگان را با شلیک گلوله کشته ، و 500 نفر را سخت مجروح کرد، که در میان آنان تعداد زیادی زن و کودک بودند

این اعمال خشم پنهانی را که در دل بسیاری از مردم آمریکا نسبت به جنایات اسرائیل وجود دارد، و لی در اثر جوی که طی سالیان لابی اسرائیل درآمریکا ایجاد کرده ، جرات ابراز آن را در فضاهای عمومی ندارند. نشانه هایی از آن را در کتاب جیمی کارتر میشود دید ،که لابی با نفوذ اسرائیل به دلیل اعتبارکارتر نتوانست صدای اورا خفه کند. یا گزارش بسیار مستند دو استاد معتبر دانشگاه هاروارد ،که نشان می دادکه چگونه لابی اسرائیل سیاست امریکا در خاورمیانه را در دست دارد. لابی اسرائیل در این مورد نیز تمام کوشش را برای جلوگیری نشر آن وبی اعتبار کردن نویسندگان آن به کار برد ،اما به دلیل ارزش پژوهشی بالای آن ، و یهودی بودن هر دو مولف نتوانست آنان را کاملا خفه کند. این گزارش در میان روشنفکران و مقامات مملکتی بسیار مورد توجه قرار گرفت

بهر حال بهترین نشانه این خشم پنهان انتخاب این نمایندگان است ،که از پیش موضع ضد اسرائیلی آنان شناخته شده بود، و لابی اسرائیل هم تمام تاش خود رادر بی اعتبار کردن آنان کرده بود. برای درک بهتر می توان گفت مثل تظاهرات دیماه ایران بود، که با تمام محدودیتش نشانگر نارضایتی وسیع مردم از حکومت بود. انتخاب این سه تن در بستر موج جدید ونیرومندی که در آمریکا اتفاق افتاده است عملی شده است. موجی که در عکس العمل به سیاست ها و رفتار ترامپ ، زنان واقلیت ها را سخت فعال کرده است. آمریکائیان بسیاری از بیم سقوط ارزش ها آمریکا ، رشد دیکتاتوری احساس خطر کرده اند. و بالاخره از نظر لابی اسرائیل انتخاب این سه تن بسیار خطرناک تر می شود، اگر توجه شود که اینان از حزب دموکرات اند که اسرائیل با تمام قدرتش برای سرکوب اینان تجهیز شده است

اسرائیل در این زمینه تجربه وسیعی دارد و پیشتر دو موج را از سر گذارننده بود.

موج اول: دهه شست موج آزادی خواهی و مخالفت با جنگ ،زمینه ای را فراهم آورد که جنایات اسرائیل هم در افکار عمومی مطرح شود. تا بدانجا که در 1975 کنگره قطعنامه سازمان ملل را ،که در آن صهیونیست را ایدئولژی نژاد پرستانه ،و تصرفات اسرائیل را سرزمین ها اشغالی خواند.

 اسرائیل که همه قدرتش را در گرو حمایت آمریکا می دید، با شدت وارد عمل شد وچون انتخاب روسای جمهوربه رای عموم کشور بسته بود، نه آن قدرت و نه آن پول را داشت که در این مورد کاری بتواند بکند. لذا به فکر افتاد حال که از درب نمی تواند وارد شود از پنجره داخل شود

نفوذ در کنگره: راه جدید نفوذ در کنگره بود. نمایندگان کنگره حیطه انتخاباتیشان محدود ، وبودجه مبارزات انتخاباتیشان نیز چندان زیاد نیست. بنابر این با کمک مالی نه چنان زیاد ،و نفوذ در افکار مردم منطقه ، که عمدتاحتی نام خاورمیانه را هم نشنیده بودند،موفق شدند کم کم کنگره را به دست بگیرند

 وسایل ارتباط جمعی و هالیوود. باپوشاندن جنایات اسرائیل ، و تکیه دائم بر مظلومیت قوم یهود، به ویژه تکیه بر هولوکاست ، کم کم همدردی مردم را به دست آوردند. هم زمان با تبلیغ وسیع توانستند اسرائیل را مساوی یهود کنند. که دو فایده داشت. یکی آن که حمایت ودلسوزی مردم را نسبت به یهودیان قربانی جنگ جهانی دوم تبدیل به حمایت از اسرا ئیل کنند. دیگر آن که هر نقد از اسرائیل را ستیز با یهود جلوه دهند. به عبارتی از آن پس به آسانی بر هر منتقد جنایات اسرائیل انگ یهودی ستیزی زده و صدای اوراخفه کنند

از آن پس از طریق کنگره دهها وبلکه صدها برابر آنچه لابی اسرائیل خرج تبلیغ به نفع اسرائیل کرده بود، در بودجه آمریکا برای کمک به اسرائیل تصویب شد

موج دوم:

انتفاضه دوم وکشتار بیرحمانه فلسطینیان در غزه به سال 2003 بار دیگر متوجه فجایع اسرائیل کرد. بمباران مدارس و بیمارستان ها ، بمباران ساختمان شناخته شده متعلق به سازمان ملل. ساختمانی که هویت آن برای همگان شناخته شده بود وبارها هم سازمان ملل در مورد آن به ارتش اسرائیل اطلاع داده بود. اما با این وجود به آن حمله شد و دویست زن وبچه پناهنده به آنجا در زیر آوار مدفون شدند

 آگاهی از این جنایات مردم آمریکا را بر انگیخت، و خشم فراموش شده مردم نسبت به جنایات اسرائیل ظاهر شد. این امر چنان لابی اسرائیل را به وحشت انداخت که بار دیگر همه نیروهای خود را برای سرکوب این موج به کار گرفت. این بار شانس آن در این بود که اوانجلیکن های متعصب قدرت بسیار گرفته بودند، تا جایی که از بوش به عنوان یک رئیس جمهور بسیار مذهبی حمایت وسیع کرده و اورا باردوم هم به قدرت رساندند. ومی دانیم که اینان بر آنند که حضرت مسیح وقتی ظهور می کند که سرزمین فلسطنین به دست مسیحیان یا یهودیان بیفتد، و به همین دلیل آنان از یهودیان در تصرف زمین فلسطینیان سرسخت تر هستند.

از آن سوی دستگاه های تبلیغاتی اسرائیل آنچنان فعال شد،که کم کم کمتر خبرنگاری و متفکری جرات افشاگری در مورد اسرائیل را داشت. هر منتقدی را یهود ستیز می خواندند، و به انواع حیله سعی میکردند جلو استخدام یا موفقیت او را بگیرند. همزمان صاحب نظران ومفسران را به هر وسیله ارتباط جمعی می فرستادند، تا مردم را قانع کنند که مسئله خاورمیانه پیچیده است ، و مرز مظلوم و ظالم مخدوش است، و جنگ و ستیز اقوام وملل از ویژگی های ابدی این منطقه از جهان است، تا در نتیجه مثل چشم بندها شنوندگان رادچار سرگیجه کنند، و اطمینان به چشم های خود را از دست بدهند، وفرقی میان فلسطینی قتل عام شده با اسرائیل متجاوز گذاشته نشود.

دوران اوباما

اوباما نشان داد که لابی اسرائیل در مورد قدرتش بسیار بزرگ نمایی می کند واین نظر را جا بیندازد که هرکس با اسرائیل در افتد نابود می شود. ترفندی که همه دولت ها وصاحبان قدرت در طول تاریخ به به کار می برند، تا کسی فکر جرات مخالفت با آنان را نداشته باشد. به همین سبب اسرائیل با همه وجودش از او متنفر بود نتانیاهو بر خلاف توصیه یارانش به دعوت جمهوری خواهان به کنگره رفت تا انگشت در چشم دموکرات ها، که پایگاه اصلی وسنتی اسرائیل بود، بکند

 موج سوم:

لابی اسرائیل با توجه به موج نیرومند جدید آزادی خواهی به شدت نگران آن است که بار دیگرجنایات اسرائیل برای مردم آمریکا افشا گردد ، و مثل موارد پیشین آگاهی مردم به ضرر آنان است. به ویژه که سیاست امروزه اسرائیل آن است که خود را یک قدرت بزرگ نشان دهد.

اگر در دوران اول با حربه مظلومیت از زیر تیغ انتقادها نجات یافت ، و مخالفینش را از میدان به در کرد. و بار دوم با مغلطه وسفسطه واین که مسایل این منطقه بسیار پیچیده ای است، از محکومیت خود جلو گیری کرد. این بار آن دو ترفند برای خفه کردن منتقدین کار آی نیست. ورای آن این بار حامی سرسخت آنان در کاخ سفید خود آماج حمله این موج بر پا خواسته است. موجی که زادگاهش همان پایگاه اصلی و سنتی اسرائیل است. و یهودیان لیبرال و آزادی خواه نیز به همین پایگاه تعلق دارند. ودر حقیقت برای نجات از این موج باید به دامان حزبی پناه ببرد که بدنه اصلی آن به دلایل دینی و نژاد پرستی یهود ستیز است. و به همین دلیل حملات رو به گسترش به یهودیان ، در حدی که در چندین دهه گذشته بی سابقه بوده ، از سوی طرفداران همین جمهوری خواهان صورت گرفته است.

 پس اسرائیل باید هرچه سریع تر دست به کار شود ، ونگذارد این موج دامن آن را بگیرد. بهترین راه برای او سرکوب شدید این سه مخالف بی پروای او است. چنان سرکوبی که ثابت کند هرکه از اسرائیل ایراد بگیرد نابود می شود. واز میان این سه تن الهان عمر، زن جوان سومالی مهاجراز همه ضربه پذیرتر است. مسلمانی است که بدون نگرانی از جو ضد اسلام موجود در غرب باروسری همه جا ظاهر می شود. مهاجر است که ترامپ وبسیاری از طرفدارانش مخالف آنان هستند. سیاه است که دشمنی نجات پرستان را به دنبال دارد، اما چون آفریقایی است از حمایت وسیع جامعه سیاه پوست آمریکایی برخوردار نیست. به دلیل فعال سیاسی بودن بسیار بی پروا تر از خانم رشید طالب ،فلسطینی منتخب میشیگان ، در مورد اسرائیل افشاگری می کند. از این روی شاهدیم که ترامپ می گوید یا استعفا بدهد یا از کمسیون روابط خارجی مجلس کنار گذاشته شود ، جایی که او می توانداسرائیل را به نقد بکشد همانگونه که پرونده سیاه آبرام ، مسئول عملیات در ونزوئلارا افشا کرده است

نقش ایران.:

 یکی از بهترین دست آویزها برای سرکوب الهان عمر آن است که اسرائیل بتواند به نوعی او را به ایران متصل کند. ایرانی که نزد اکثریت قریب به اتفاق آمریکائیان نا محبوب است. بنا بر این پیش بینی می شود که ایادی اسرائیل در ایران دست به کار شوند. وبهترین راه آن است که یک صاحب قدرت ایرانی نا آگاهی را بفریبند ، تا از سر تعصب یا جاه طلبی ابلهانه شعاری در حمایت از خانم عمر بدهد. ازجمله “این خواهر مسلمان نشان می دهد که بیمی از امپریالیست آمریکا ندارد “یا “با همه” مخالفت غرب با اسلام، صدای اسلام امروز حتی از کنگره آمریکا شنیده می شود” یا“ این خانم شجاع مسلمان نشان داد که چرا ایرانیان شعار مرگ بر اسرائیل غاصب می دهند “ این شخص می تواند یکی مثل احمدی نژاد باشد ،عوام فریببی که به دنبال مطرح شدن است. امام جمعه ای،نماینده ولی فقیهی ، نماینده مجلسی ، یکی از سران پاسدار که خشم به اسرائیل چشم عقلش را کور کرده. اگر چنین نشد اسرائیل ناگزیر می شود خطر سوخت رفتن یکی از عواملش بپذیرد، و یکی از ایادیش مستقیم این دسته گل را به آب بدهد.

با توجه به ضعف سازمان های امنیتی ایران این مهم چندان غیر ممکن نیست. اینان که روزی موساد وسیا را به زانو در آورده بودند ، حال مثل کسی هستند که در تاریکی چوبی را دور سر خود می چرخانند ، تا دشمن را بزنند. عوامل اسرائیل تا حساس ترین نقاط کشور نفوذ کرده اند، و آنان از سر ترس ایرانیان دو ملیتی را می گیرند، که به به جاسوس گرفته ایم. و یا در حالی که طرفدارن محیط زیست به وزارت اطلاعات خبر می دهند که اسرائیل به آنان پیشنهاد همکاری داده است. و وزارت اطلاعات به آنان می گوید به ظاهر قبول کنید، واطلاعات غلطی را که ما در اختیارتان می گذاریم به آنها بدهید. اما اطلاعات سپاه آنان را به عنوان جاسوس دستگیر میکند، و قوه قضائیه به فرموده آنان این بی گناهان را زندانی می کند. که حاصلش مرگ رهبر آنان کاووس سید امامی در زندان میشود.

بهرحال این فرصتی است که ملت ایران عوامل مستقیم وغیر مستقیم اسرائیل را در این روزهای خطرناک، که اسرائیل به صراحت دم از جنگ با ایران میزند را بشناسند ، و استقلا ل ایران را قربانی خشم از حکومت نکنند.